

درس و تمرین ۳۱

نفت ۱

۴. در مثالهای زیر موارد «مطابقت صفت با موصوف» را بنویسید.

سَمِعْتُ مِنْ رَجُلٍ عَالِمٍ ۴ عَالِمٍ صفت است
و در چهار چیز از رَجُلٍ بَعِثَ می‌لند.

۱. مجبور بودن ۱. هر دو مجبور به یاد هستند.

۲. شنیده بودن ۳. مذکور بودن ۴. تکرار بودن

قَالَتِ النِّسَاءُ الْعَالِمَاتُ ۴ الْعَالِمَاتُ صفت است
و در چهار چیز از النِّسَاءُ بَعِثَ می‌لند.

۱. مرفوع بودن ۱. هر دو مرفوع به ضم هستند.

۲. جمع بودن ۳. مؤنث بودن ۴. معرفه بودن

۱- أَهْلَكَ الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ • الفَاسِقُونَ صفت است

و در چهار چیز از الْقَوْمُ تبعیت می‌کنند.

۱. مرفوع بودن • ← الْقَوْمُ • مرفوع به ضم

• الفَاسِقُونَ • مرفوع به واو

۲. جمع بودن • ۳. مذكر بودن • ۴. معرفه بودن •

۲- مَسِيَّتٌ فِي أَرْضٍ وَاسِعَةٍ • وَاسِعَةٍ صفت است و

در چهار چیز از أَرْضٍ تبعیت می‌کنند.

۱. مجرور بودن • ← هَكَذَا و مجرور به كَسْرَة

۲. مفرد بودن • ۳. مؤنث بودن • ۴. نكرة بودن •

• أَرْضٍ مؤنث مفعول

- ذُكِبَتِ الْأَمْرَأَتَانِ الْفَاضِلَتَانِ : الْقَاضِلَتَانِ صِفَت

است و در چهار چیز از الْأَمْرَأَتَانِ بَتَعِيت می‌کند.

۱. مرفوع بودن. ← هر دو مرفوع به الف هستند.

۲. مثنی بودن. ۳. مؤنث بودن. ۴. معرفه بودن.

- رَأَيْتُ طِفْلاً حَسَنًا : حَسَنًا صِفَت است و در چهار چیز

از طِفْلاً بَتَعِيت می‌کند.

۱. منصوب بودن. ← هر دو منصوب به فتح هستند.

۲. مفرد بودن. ۳. مذکر بودن. ۴. نكرة بودن.

بـ | صفت و موصوف و مورد مطابقت آنها را همراه با علامت اعراب هر یک در جمله‌ها سی زیر بیابید .

۱- الْفَالِقُ ، الْبَارِئُ ، الْمُصَوِّرُ به ترتیب صفت اول ، صفت دوم و صفت سوم هستند برای اللَّهِ و در چهار چیز از اللَّهِ بیعت می‌کنند .

۱. مرفوع بودن . ← کلمه مرفوع به ضمم هستند .

۲. مفرد بودن . ۳. مذکر بودن . ۴. معرفه بودن .

۲- الْحُسْنَى ، صفت است برای الْأَسْمَاءُ و در چهار چیز از الْأَسْمَاءُ بیعت می‌کنند .

۱. مرفوع بودن . ← الْأَسْمَاءُ : مرفوع به ضمم است .

۲. معرفه بودن . ← الْحُسْنَى : تقدیراً مرفوع .

۳ و ۴. برای جمع فلس غیر عامل غالباً از صفت مفرد مؤنث استفاده

می شود و در موارد ضللی که جمع مؤنث سالم می آید، به همین

دلیل الأسماء ← جمع و مذكر است و الحُسن ←

مفرد مؤنث است.

۲. سَامِعَاتِ صفت است برای رَوَاسِي و در چهار چیز

از رَوَاسِي بیعت می کنند.

۱. منصوب بودن. ← رَوَاسِي ۸ منصوب به فتحه.

← سَامِعَاتِ ۸ کسر به جاسی فتحه.

۲. جمع بودن. ۳. مؤنث بودن. ۴. نکره بودن.

لِ رَوَاسِي
فَتْحَةُ الْجَمْعِ است،
جمع مکسر.

لِ رَوَاسِي چون
غیر منصوب است تنوین
نپذیرفته است.

۱- رُواسی جمع ملوس غیر عاقل است به معنی عاقل است.

صفت آن جمع مؤنث سالم آمده است.

۲- جمع خاص ملوس حکم مفرد مؤنث دارند.

۳- غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ: جمله وصفیه است برای قوماً

و چون قوماً منسوب است غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَلَأَ

منسوب است.

۴- النَّائِمُ صفت است برای الطَّاهِرُ و در چهار

چیز از الطَّاهِرُ بعیت میکنند.

۱. مرفوع بودن. ۲. خبر و مرفوع به ضمیر هستند.

۲. مفرد بودن. ۳. مذكر بودن. ۴. معرفه بودن.

القائم صفت است برای الصائم و در چهار چیز
از الصائم تبعیت می‌کند.

۱. مجبور بودن. ← هر دو مجبور به کسره هستند.

۲. مفرد بودن. ۳. مذکر بودن. ۴. معرف بودن.

۵. الرغام صفت است برای الشَّاب و در چهار
چیز از الشَّاب تبعیت می‌کند.

۱. مجبور بودن. ← هر دو مجبور به کسره

۲. مفرد بودن. ۳. مذکر بودن. ۴. معرف بودن.

الرَّواسی صفت است برای الجبال و در چهار
چیز از الجبال تبعیت می‌کند.

۱. مجبور بودن. ← هر دو مجبور به کسره است.

۲. جمع بودن. ۳. مذكر بودن. ۴. معرفه بودن.

- الّذی صفت براسی عَلُم است و در اجزای
عِلْم تبعیت می کند. ← موصول ها در جایگاه های هم
موصوف واقف می شود، هم صفت.

۱. مرفوع بودن. ← عَلُم ۸ مرفوع به ضمه.
الّذی ۸ محلاً مرفوع.

۲. مفرد بودن. ۳. مذكر بودن. ۴. معرفه بودن.

(ج) صفات مفرد وجهه را در حدیثِ ذیل بیاید.

- فاجِرٌ صفت است برای رَجُلٌ و در رَجُلٌ از

رَجُلٌ تنبیه می‌کند. (صفت مفرد)

۱. مرفوع بودن. ← هر دو مرفوع به ضمده هستند.

۲. مفرد بودن. ۳. مذکر بودن. ۴. نکره بودن.

- جَرَسٌ صفت است برای رَجُلٌ و در رَجُلٌ از

رَجُلٌ تنبیه می‌کند. (صفت مفرد)

۱. مرفوع بودن. ← هر دو مرفوع به ضمده هستند.

۲. مفرد بودن. ۳. مذکر بودن. ۴. نکره بودن.

- يَقْرَأُ لِكِتَابِ اللَّهِ صفت سوم است برای رَجُلٌ و چون رَجُلٌ

مرفوع است، يَقْرَأُ لِكِتَابِ اللَّهِ محلاً مرفوع است. (صفت جمله)